

افغانستان علی الرغم این واقعیت که منابع برای اهداف مایرانی ناچیز است در زمینه انکشاف این منابع برای بکاربرد آن در داخل کشور کمک دریافت دارد. • معهذا چنین فکر می شد که برخی از ۲۰۰ جیولوژیست که در ۱۹۷۹ از شوروی آمدند اعمار سه ساحه نفت و يك دستگاه تصفيه ۵۰۰ هزار تنی را بر عهده خواهند گرفت. • اگرچه کمک شوروی برای این پروگرام دریافت نشد ولی در هر حال جنگ درگرفت و نفت افغانستان هنوز هم در خاک است. • از ۱۹۸۰ به این طرف شوروی ها دو لوله نفت از شوروی آورده اند تا ضرورت عاكر شانرا در افغانستان رفع کنند.

زغال سنگ :

نخایر زغال سنگ در افغانستان زیاد است و بهره برداری از آن تازه آغاز شده بود. • افغانستان در حدود ۱۰۰ میلیون تن زغال تثبیت شده درجه اعلی دارد و در حدود ۴۰۰ میلیون تن دیگر در کتگوری احتمالی وجود دارد. • در امتداد افغانستان شمالی از هرات تا بدخشان در حدود ۹ نخیره بزرگ زغال و ۳۶ منبع قسماً بهره برداری شده است. • بهره برداری از زغال سنگ قدیمی ترین صنعتی عصری است که برای تهیه مواد سوخت در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد. • این صنعت در حدود ۶۰ سال پیش آغاز شد. • در ۱۹۵۷ در حدود ۱۷۰۰۰ تن زغال سنگ تولید شد. • در ۱۹۶۵ این مقدار به ۸۰۰۰۰ تن رسید. • از ۱۹۶۵ به این طرف تولید به طور قابل (مر - ۱۷)

کمونیست چند حزبی افغانستان

استدلالی از پلاد و روران کالر

اگر در افغانستان سیاست را به مفهوم نظام حزبی امروزی مطالعه کنیم ، هیچ مفهومی را افاده نخواهد کرد . سوای شاهمی مشروطه که از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ دوام کرد ، در افغانستان هرگز نظام سیاسی بوجود نیامده است .

بر اثر همگانی بودن بیسوادی و ساختمان جغرافیائی که رفت و آمد را با دشواری ها روبرو ساخته است افغانها تا سالهای اخیر در برابر جریان تاریک حتی در دهکده های مجاور آنان اتفاق می افتاد دلبستگی نداشتند . ده واحد اساسی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی یک فرد افغان را تشکیل می دهد . رهبران محلی به صورت عنعنوی از نظارت ملی و ولایتی آزاد عمل میکردند . جاده های ارتباطی خارج کابل در اواخر دهه ۱۹۵۰ احداث گردید . امروز هم زندگی به نحوه پیشین ادامه دارد و در برابر هر نوع تحول و تغییر و نهضت مقاومت صورت می گیرد .

برای افغانها سیاست بسط قریه و قبیله و یا جمعیت تظاهر می کند در جائیکه روند دموکراسی بشیوه عنعنوی رواج دارد ، فیصله ها و تصمیم در فضای باز دهکده که جرگه نام دارد صورت میگیرد

و همه مردم در آن شرکت می جویند . اگرچه در رای دمی جرگه تنها مردان سهم می گیرند ولی قبلاً روی موضوعات مورد علاقه با خانواده های خود به بحث و گفتگو می بردازند . زن درمباحث از اهمیت فراوان برخوردار است اگرچه کسی او را نمی بیند و در ملا عام ظاهر نمی شود .

نظام عنعنوی حکومت دلخواه مردم افغانستان در خودمختاری محلی نهفته است چنانکه از طرف حکومت ملی کوچکترین مداخله ای در آن بعمل نیاید . ولی گاهی که موضوعات مهم ملی ب بررسی گرفته می شود مانند تدوین قانون اساسی ، در آنگاه لویه جرگه " مجلس کبیر " برگزار می گردد و نمایندگان تمام نقاط کشور در آن شرکت می نمایند . در سیاست ملی افغان ، کلمه بی قانونی سراج نمی گردد زیرا اکثر مسائل بوسیله همه بررسی تأیید و تصویب میشود . در چنین يك نظام مسائل سیاسی عاجل و محرد بوده ، وفاداری در برابر آن محض يك مسئله شخصی بشمار میرود . يك فرد افغان شاید در برابر دولت ، خانواده و حتی بزرگتر دهکده وفادار بماند و یا فرمان ببرد ، این تعهد شخصی او را نمایان می سازد و لسی بیانگر ایده لوژی او نمی شود ، و شامل حمایتیگانگانیکه مقام های بلند دارند نمی گردد . روی هم رفته مراتب وفاداری شخصی با قوانین دینی و فرهنگی که هر افغان از خورد سالی بآن عادت گرفته اند و در طول عمر بآن پایبند میباشد ارتباط دارد . از نگاه تاریخ افغانها وقتی سیاست پیشه می شوند کسه

نیرو های پرخاشگر بوم‌ن آزاده آنها تجاوز کند و یا خود آنها به کشوری لشکر کشی کنند. این مسئله بار بار ثابت شده که دشمنی قبیلوی خود را ترك میدهند و بصورت موقتی با هم پیمان می‌بندند تا دشمن مشترك را به جایی بنشانند. چنانکه در برابر کابل یا اسلام آباد و هند برتانوی سابق با جفین سیاست ها متوسل شده و نیرومندی خود را در بین قبائل دو طرفه سرحد به نمایش گذاشته اند . ولی بخاطر باید سپرد که چنین دارو مدارها سطحی و گذری بوده و زود از هم پاشیده است . بهر حال پس از رفع تهدید بیگانگان دشمنی و خصومت دیرینه بار دیگر آغاز می‌شود . باینصورت همینکه خطر برتانیه از بین رفت ، و یا اگر امروز اتحاد شوروی سربازان خود را از افغانستان فرا خواند دیگر از پیمانها کمتر استفاده می‌کنند . يك قبيله دست نشانده سلاح دریافت می‌نماید و در برابر قبيله مخالف می‌جنگد ولی همینکه خطر رفع گردید در آن وقت در مقابل هواخواه خود به ستیز بر می‌خیزد . مختصر اینکه اتحاد و یکپارچگی که به هر خاطر بوجود آمده باشد زود از بین میرود . ولی ساختمان قدیمی پایداری ماند بدین معنی که افراد در برابر هر نوع تجاوز داخلی و خارجی بسیج می‌شوند و مسلح می‌گردند .

از مبحث بالا چنین جمع بندی می‌توانیم که افغانها به انفرامیت عظیمی می‌ایزند . آزادی قبیلوی را می‌پسندند ، بی نیاز هستند و به وفاداری خانوادگی متعهد . در برابر تغییر و تحول

سخت‌ایستادگی می‌کنند . این مقاومت در میان افغان‌های پشتو زبان بهشت وجود دارد ، به انتقام جوئی و خون‌ریزی علاقه مند اند . مردم افغان طرفدار تساوی حقوق اند ، از مساعی بسته جمعی اطاعت نمی‌کنند ، مخصوصاً اگر بدانند که رهبران گروه‌ها از احترام شخصی برخوردار نیستند و از زحمت خودمزد نمی‌گیرند . در بسا از موارد ارزش‌های افغانان به عادات خبیث و درشت‌بومیان امریکائی شباهت دارد " مرا بحال خود بگذار " روند زندگی آنان را تشکیل میدهد .

بر مبنای عنعنات ، افغانان به سازمان‌های فراسوی مرز های محلی گروهی و قومی گام بر نمی‌دارند . مسایلی که مورد علاقه مردمان محلی قرار می‌گیرد همانا شماری محدودی از تحصیل یافته گانند که بصورتی به حکومت مرکزی ارتباط دارند .

در چارچوب احزاب سیاسی فعلی ، فلسفه سیاست و پابندی‌های حزبی بصورت عمومی افکار نادرست تلقی می‌شود . این چنین طرز تفکر حتی میان اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز وجود دارد . حقایق یاد شده در یرون حزب دموکراتیک موجب انکشافات بسیار گرییده است .

آثار سیاست جدید افغان :

سیاست جدید افغانستان از دوره کوتاه سلطنت ۹ سال امیر امان‌الله منبع گرفته است . هنگامیکه امیر در سال ۱۹۱۹ به

سلطنت رسيد جنگ اول بين المللي فروکش ميکړد و امپراتوري ترکان عثماني از هم مي پاشيد ، و کشور های تازه اسلامي بوجود مي آمد . تر ترکیه کمال اتاترك جامعه سنتي اسلام را به بنای معاصر تبدیل نمود . تر شمال رژیم جدید اتحاد شوروی افکار و ایده های بلند بالائی را ب مردم اعلان کرد و از استعمار نکوهش نمود و تعهد سپرد که تر آسیای مرکزی به مردمان زیر سلطه ای زار ها آزادی خواهد داد . تر جنوب گاندي توسعه جوئی بر قانیه را بمبارزه طلبید .

باد تغییر و تحول تر فضای کابل نیز بوزید . امان الله تحت تاثیر اصلاحات اتاترك قرار گرفت . شماری از شاگردان افغان را جهت تحصیلات عالی به ترکیه و کشورهای اروپائی فرستاد . افزون برین امیر تلاش می کرد تا کشوره را یک شبه تغییر بدهد . پس از سرنگونی امان الله ۱۹۲۹ جنگ داخلی شعله ور گردید ، سرانجام نادر شاه بعنوان پادشاه افغانستان تاج پوشید . نادر شاه از اصلاحات امیر جلوگیری نمود ، ولی تخم افکار نوین که کاشته شده بود ، بارور گردید .

تر دوران پادشاهی امان الله سازمان سیاسی مشروطه خواهی " جوانان افغان " ظهور کرد . امان الله و محمد نادر هر دو قانون اساسی ۱۹۳۳ و ۱۹۳۱ را تدوین نمودند ولی تر دهه ۱۹۳۰ - سازمان جوانان افغان چنان راه و رسم را دیگال پیسه ساخت که تر مدد سرنگونی رژیم و اصلاح اصول دینی برآمد . حکومت تر برابر

آن دست اندر کار شد و سازمان مذکور را بر انداخت. شماری از آنان به قتل و کشتارهای سیاسی مبارزت ورزیدند، چنانکه يك عضو آن در نوامبر ۱۹۳۳ تاجران شاه را به قتل رسانید.

محمد ظاهر شاه پسر ۱۹ ساله پادشاه مقتول براریکه سلطنت تکیه کرد ولی بر اساس عنعنات افغان چون او بسیار جوان بود بنا بران در ۲۰ سال آینده در حقیقت سه عموی بر افغانان فرمانروایی نمودند.

شاه محمود یکی از عموهای شاه مرد آزادیخواه در ۱۹۴۷ - مدراعظم مملکت گردید و هفتمین اجلاس شورای ملی را برگزار کرد. شورای یاد شده ۱۲۰ عضو داشت و فاقد قدرت سیاسی بود. شاه محمود در جهت تقویت شورای گام دیگر برداشت ۴۰ عضو تازه بآن بیافزود. اعضای جدید از اصلاحات سیاسی و پشتیبانی میکردند و با کمال احتیاط دموکراسی را در کشور پیاده می نمودند. اعضای یاد شده در مدد برآمدند ریشه رشوت خواری و فساد را براندازند، فساد که با رشوه و تحفه بنیاد حکومت دموکراسی را متزلزل می نمود. در افغانستان مانند سایر کشورهای شرق نزدیک رشوت خواری از ادوار بسیار قدیم رواج داشت. هیجان های سیاسی در کشور بار آورد به قانون مطبوعات در جولائی ۱۹۶۵ در شورای ملی به تصویب رسید و روزنامه های آزاد منتشر گردید. پنج روزنامه تازه فعالیت های نشراتی خود را آغاز کرد. جراید یاد شده از گروه های بخصوص نمایندگی می کرد و شماری از آنها را به کمال بودند. (ادامه دارد)

منابع

ملاحظه کاهن یافته است. در سال های قبل از جنگ دلیل آنرا مشکلات اداری و کمبود نیروی انسانی میدانستند که به علت دستمزد اندک ایجاد شده بود. از ۱۹۷۹ تا به امروز جنگ این کاهن را شدیدتر ساخته است.

زغال سنگ افغانستان در دستگاه تولید سمنت، صنایع نساجی شرکت پنبه، دستگاه تولید بوره و سیلوی کابل و خاکه، آن برای تسخین مورد استفاده قرار می گیرد.

در اواخر دهه ۷۰ شش دستگاه تولید زغال طرح ریزی شده بود در ۱۹۸۰ کار اعمار یکی از آنها به بلغاری ها سپرده شد. رژیم کابل تعمیر دارد نخبیر زغال سنگ افغانستان را وسیعاً انکشاف بدهد. برای اولین بار در ۱۹۵۴ چک ها معادن زغال سنگ را آماده ساختند و یک گروپ چک ها که در ۱۹۷۸ آمدند موفق شدند تولید را در دو سال ۳ چند بسازند. در ۱۹۷۹ تولید سالانه بالغ بر ۱۹۰۰۰ تن بود.

تولید زغال برای افغانستان و زمامداران کمونست آن خیلی مهم است زیرا صنعتی است ثقیل که نیازمند کار جانفرسا است و برای "مملکتی که از هیچگونه منبع دیگر انرژی بهره ندارد مواد احتراقی لازم تهیه میدارد" بلی با آن همه گاز افغانستان که به غروری سرازیر میشود افغانستان حقیقتاً از هیچ گونه منبع دیگر انرژی بهره ندارد. تولید زغال سنگ در عین حال تقاضای مردم را برای گاز کمتر می سازد و به این ترتیب گاز میتواند به

اتحاد شوروی فرستاده شود .

سس :

شواهد وجود دارد که ذخایر مس عینک در ولایت شرقی لوگر در جنوب کابل تقریباً ۴۰۰۰ سال قبل مورد استفاده قرار گرفته بود تاریخ استفاده از مس در افغانستان به عصر برونز " مفرغ " بر می گردد و برخی دانشمندان گفته اند که احتمال دارد برونز در آنجا کشف شده باشد . مس بر سکه زدن ، نیزه ساختن و درست کردن وسایل بخت و پز و دیگر آلات و افزار مورد استفاده قرار می گرفت . در يك نسخه خطی چینیایی که از قرن سوم یا چهارم عیسوی مانده ، از مس عینک تذکر بعمل آمده است .

در سال های ۱۹۲۰ در جریان آنکه برای ایجاد يك زیربنای صنعتی در افغانستان طرح ها ریخته می شد ، پلانگذاری برای استخراج مس عینک نیز صورت گرفت . این بار نیز شوروی ها به خواست خود امکانات مالی تفصی جیولوژیکی برای تعیین مقدار منابع را بر عهده گرفتند . در آغاز تخمین می کردند که معادن عینک مجموعاً بیشتر از ۶ میلیون تن مس بشکل سنگ معدنی نسبتاً عالی ۰۷ تا ۱۲ فیصد دارد . پلانگذاری افغان ها برای انکشاف معادن و اعمار دستگاه تصفیه مس ادامه یافت . قرار بود این مس برای صادرات و بکاربرد در داخل کشور مورد استفاده قرار بگیرد . افغان ها در نظر داشتند انرژی مورد ضرورت دستگاه تصفیه مس را

از بند برق کجکی برهلمند که به کمک امریکایی ها اعمار گردید ، بود ، دستگاه تولید برق مزار شریف و دیگر دستگاه های اطراف کابل تهیه نمایند .

اما هنگامیکه مذاکرات در مورد سرمایه و موافقت نامه این پروگرام به مراحل نهایی نزدیک شد آشکار گردید که اگرچه پلان گذاران شوروی در تهیه پلان انکشافی سهم داشتند نظرات آنها در مورد عملی کردن پلان خیلی متفاوت بود . در واقع - پیشنهادات اتحاد شوروی برای سرعینک دقیقاً مشابه به پیشنهادات شان در موریکان حاجی گک بود که در بالا مورد بحث قرار گرفت . آنها میخواستند صرف استخراج و تغلیط سنگ معدنی سر در افغانستان صورت بگیرد و بعد سنگ تغلیط شده به اتحاد شوروی فرستاده شود تا در آنجا تصفیه گردد .

در يك واقعه که به تازگی رخ داد نیرو های مقاومت افغانستان اسناد اتحاد شوروی را بدست آوردند . این اسناد اهمیتی را که این نخبه حایز می باشند نشان میدهد . یکی از این اسناد که از روسی ترجمه شده قرار ذیل است :

تاریخ - ۱۹ جولای ۱۹۸۱

به رفیق میر صاحب کار و ال مسئول حوزه مرکزی شهر کابل ولایت کابل کاپی به رفیق نیویاروف ای . ام

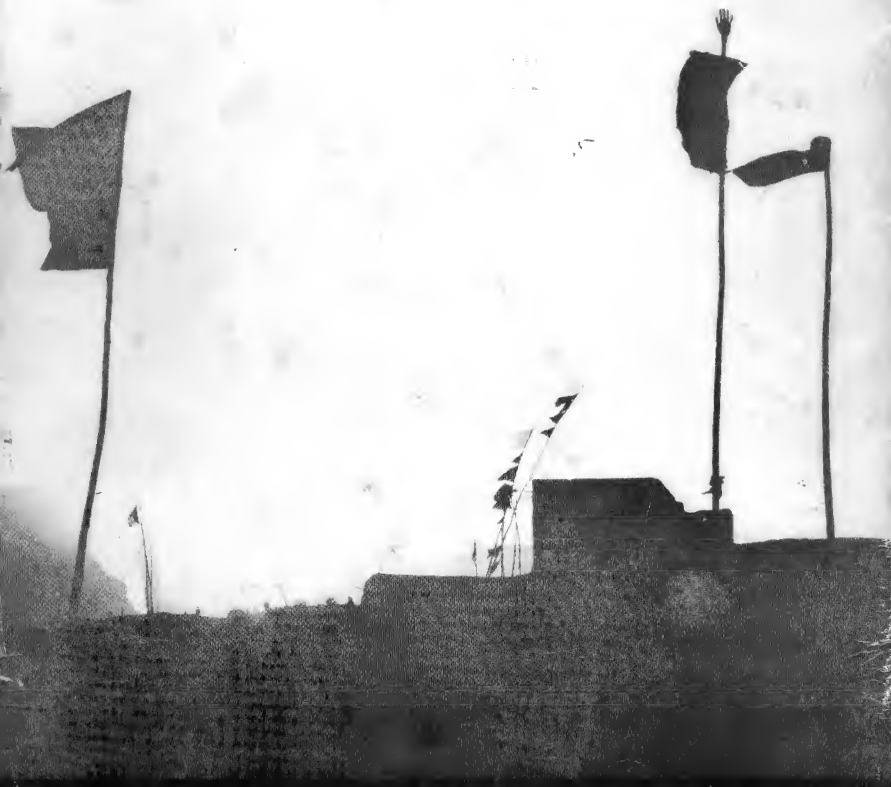
کارکنان ، مامورین رسمی و کارکنان فنی معادن عینک که جمعاً در حدود ۴۰۰ نفر می شوند علرغم شرایط دشوار در ساحه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه ملی افغانستان



افغانستان « مطبوعات جهان



جدي ۱۳۶۷

سال سوم

شماره نهم

به استقبال از فیصله حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جریان سال‌های بعد از انقلاب مصروف جستجوی سنگ معدنی، مس در معادن عینک بوده اند . از برکت کار جمعی و صادقانه در حدود ۵ ر ۱۱ میلیون تن مس در معدن عینک کشف شده است . این معادن از نظر جسامت، غنا و مقدار مس از بزرگترین معادن جهان بشمار می‌آیند . جستجو برای معادن دیگر ادامه دارد .

در حال حاضر کار بیست و چهار ساعته با ماشین‌های برمه کاری بما فرصت آنرا فراهم کرده تا سوراخ‌های به عمق ۱۰۰۰ متر حفر کنیم . برای اینکه بتوانیم ماشین‌های برمه کاری را بدون وقفه استعمال نمائیم ماه دوبار لازم است در لوله‌های برمه‌کننده مواد چرب کننده گرم بکار برده شود ، برزّه‌های جدید انداخته شود و برمه کارانی که کارشان تمام می‌شود برای استراحت فرستاده شوند . قرار است ریاست تفحصات مابقات الارضی و وزارت معادن و صنایع این وسایل ضروری را فراهم سازد و برمه کاران جدید بفرستند . يك قطار شامل هشت موتر روز دوشنبه ۲۰ جولای ساعت ۹ بجه کابل را به قصد عینک ترك می‌گوید . وزارت معادن از شما خواهند است تا امنیت قطار را برعهده بگیرید و در حمل و نقل مواد با ما همکاری نمائید . برای اجرای این عملیات و آوردن برمه کارانی که از کار فارغ می‌شوند دو ساعت تا دو ساعت و نیم وقت لازم است .

با عرض احترام ، وزارت معادن و صنایع ۱۸ جولای ۱۹۸۱

محمد اسمعیل دانش

نمبره مسلسل: ۳۶۰۷، ۴۰۴، ۲۷، ۱۵۵۲۲

بدین ترتیب آقای دانش که در آن هنگام وزیر معادن و صنایع بود ناآگاهانه بیان میدارد که جسامت معادن عینک دو چند آنچه در اول گفته شده بود است. عینک توانایی تولید ۱۱ میلیون تن مس را دارد. این رقم با بزرگترین معدن جهان بنام بینگام که در نیوتا "ایالات متحده" موقعیت دارد قابل مقایسه است. معدن بینگام در همه مدت عمر خود در حدود ۹ میلیون تن مس تولید کرد. معدن مس زرگزگان در قزاقستان که یکی از دو معدن خیلی بزرگ اتحاد شوروی است صرف یک ربع تا یک ثلث معدن عینک جسامت دارد. معدن عینک به اندازه کافی بزرگ است که بتواند توجه اتحاد شوروی را جلب کند. اگرچه مس یک ماده استراتژیستیک نیست (حد اقل برای ایالات متحده) زیرا به وفرت در ایالات متحده و دیگر جاها یافت می شود. اما اهمیت آن به مسکو بیشتر است. شوروی ها خیلی تلاش ورزیده اند تا این معدن را مورد استفاده قرار بدهند. در جولای ۱۹۸۶ شوروی ها میخواستند از سرحد اتحاد شوروی به معدن مس عینک برق بیاورند. مجاهدین افغان نیز از اهمیت معدن عینک بخوبی آگاه اند و بر بلان های شوروی برای استفاده از آن ضربات قابل ملاحظه وارد کرده اند. (بطور مثال در ماه می ۱۹۸۶ آنها یک هلیکوپتر توبدار روسی را کشته از یک قطار راهی عینک محافظه می کرد سقوط داده پنج انجینیر

روسی را کشتند و یکی را زنده دستگیر کردند) . در حال حاضر معدن عینک صرف بعنوان يك پوسته نظامی دور افتاده مورد استفاده است و کار ناچیز برای انکشاف آن صورت می گیرد . اما مطبوعات افغانستان به پوسته پلان های بزرگ را برای انکشاف آن انعکاس می دهد .

آمین :

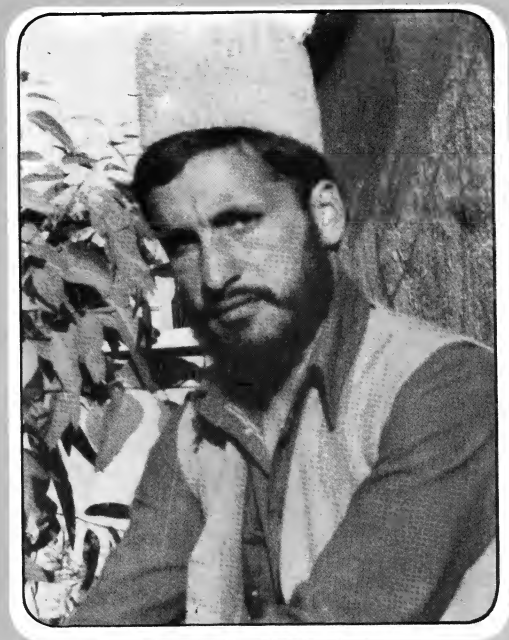
گزارش های جیولوژیکی پنج معدن ۵۲ ، منبع قسما بهر ه برداری شده و ۱۲ منبع تثبیت شده آهن را در افغانستان نشان می دهد . مهمترین این منابع معدن حاجی گک است که در سلسله کوه های مرکزی موقعیت دارد . این معدن غنی اولین بار ۵۰ سال قبل کشف شد اما موقعیت نسبت نارس آن در نهایت شرقی سلسله کوه بابا تا کشف دوباره آن در سال ۱۹۶۰ این معدن را از توجه دورنگه داشت . سروی مقدماتی که مانند همه وقت به وسیله شوروی ها اجرا شد اندازه و نوعیت معدن را تعیین نمود . گفته میشد که سنگ معدنی آن از نوع عالی بایریت - مگنیتایت است و ۶۲ فیصد آهن دارد . ناخبر تثبیت شده آن در حدود ۱۱۱ میلیون تن است و ناخبر احتمالی آن " به اساس حسیات منطقی جیولوژیکی " بیشتر از ۲ بلیون تن گفته میشود . برای مقایسه از معدن میسابی در مینس سوتا مثال می آوریم که اساس صنعت فولاد ایالات متحده را تشکیل میدهد . تولید مجموعی این معدن در جریان ۳۳ سال یعنی از



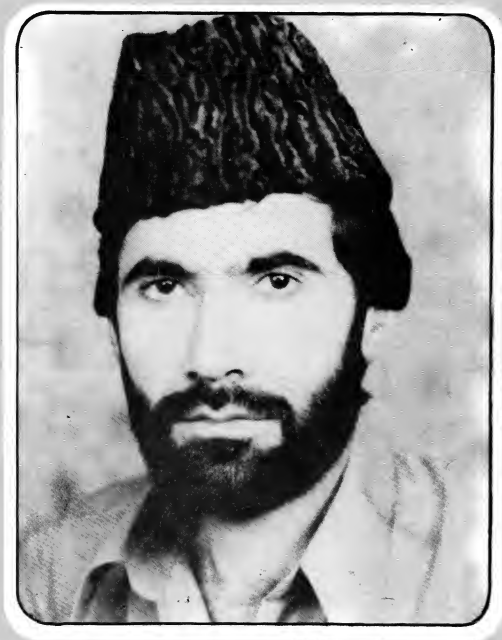
قوماندانهای سنگرهای افتخار آفرین
افغانستان عزیز که در دوران نهمین
سال تجاوز شوروی بشهادت رسیده اند
روان شان شاد و خاطر شان گرمی باد



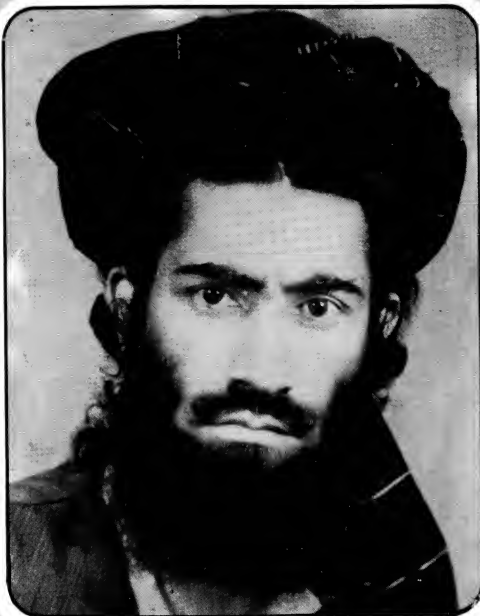
شهید پاینده محمد طالوت موجد ، امیر حوزه نعلان
ولایت پروان حزب اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۵ ثور ۱۳۶۷



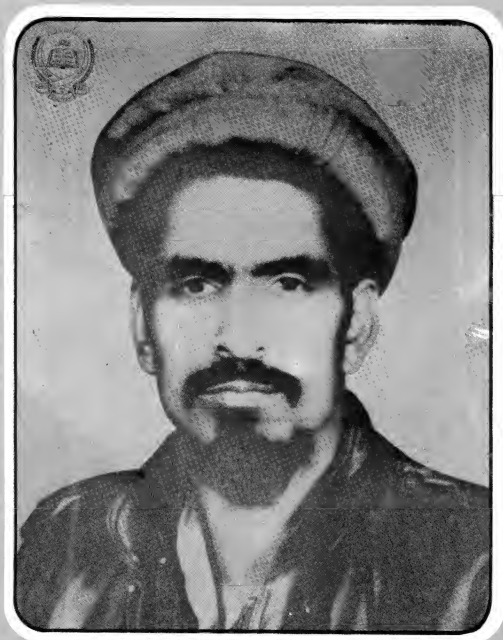
شهید میر افغان امانیار ه قوماندان حوزه سه گنبد
ولسوالی پغمان ولایت کابل اتحاد اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۱۹ سرطان ۱۳۶۲



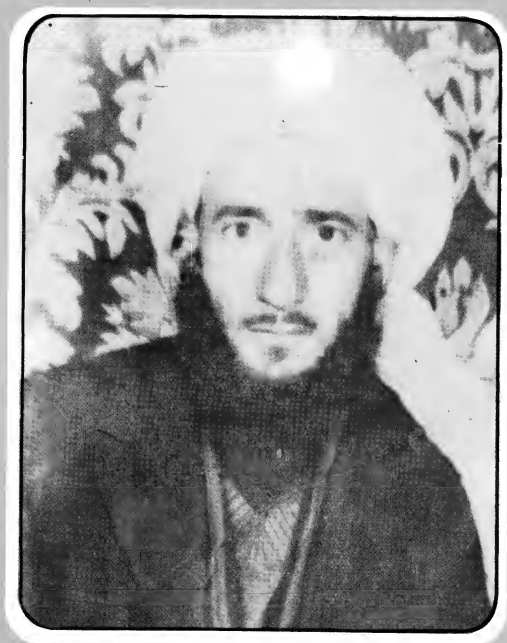
شهید محمد اسمعیل طارق ، امیر عمومی ولایت لغمان
جمعیت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۲۳ اسد ۱۳۶۷



شهید عبدالرحیم حنیفی، امیر عمومی ولایت لغمان
حرکت انقلاب اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۲۱ میزان ۱۳۶۷



شهید عنایت الله شفق ، آمر عمومی جبهات ولسوالی
بگرام ولایت پروان جمعیت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۸ عقرب ۱۳۶۷



شهید عبدالقادر ، قوماندان عمومی ولسوالی های
قره باغ و سرای خواجه ولایت کابل حزب اسلامی
افغانستان
تاریخ شهادت : عقرب ۱۳۶۷

از انتشارات کانون ترجمه آثار جهاد افغان

افغانستان در مطبوعات جهان

نشریه با هلاکت و انکسار مجامع و مومنه نشریه مطبوعات جهان

مدیرمسؤل: پروهانددکتور سید محمد یوسف علی

شماره حساب بانکی 849

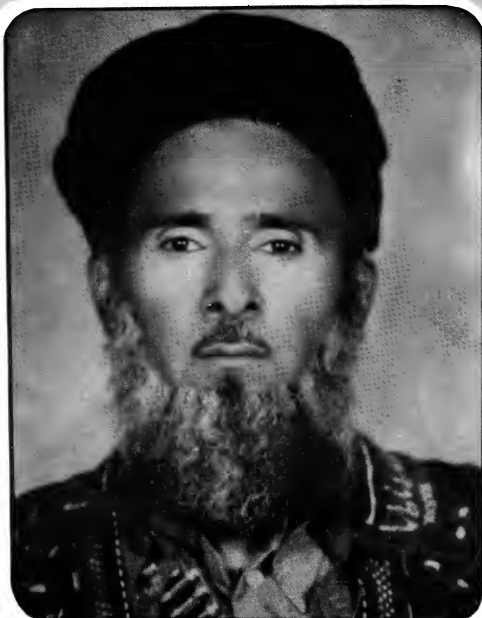
حبیب بانک لمیتد
پشاور
پاکستان

وج اشتراک سالانه

در پاکستان	۱۰۰ روپيه
در خارج	۲۰ دالر

آدرس: پست کبس 417 849.0 پشاور

آراما آف افغان
پشاور
پاکستان



سید حبیب الله تورباچا، آمر غنډ حضرت امام حسین (ره)
ولسوالی خوگیا نی ولایت ننگرهار جمعیت اسلامی افغانستان
تاریخ شهادت ۹ قوس ۱۳۶۷

زمان انکشاف آن تا اواسط دهه ۶۰ به ۲ بلین تن می رسد . به این ترتیب معدن حاجی گک ممکن است از نظر مقدار ذخیره خود سومین معدن جهان باشد . فراموش نباید کرد که منابع امریکایی و اروپایی رو به کاهش میروند که این مسئله اهمیت معدن حاجی گک را افزایش می بخشد . چونکه در تولید آهن صنعتی از مواد لازم است در نزدیکی حاجی گک پیدا می شود و زغال سنگ و گاز طبیعی نیز بالقوه وجود دارد .

قبل از آنکه کمونست ها به قدرت برسند بازار های جهانی برای انکشاف حاجی گک علاقمندی زیاد نشان میداد خاصاً اگر سرک های خوبتر ، یک خط آهن و لوله گاز اعمار می شد . با شروع کار بر دستگاه فولاد کراچی اهمیت اقتصادی حاجی گک بیشتر گردید . شرکت فرانکو - جرمن زمینه مطالعات بیشتر را آماده ساخت و نظر داد که بعد از مرحله تغلیط ، سنگ معدنی به دو آب که کمتر از ۳۱ میل (۵۰ کیلو متر) به طرف شمال موقعیت دارد انتقال داده شود . قرار بود دستگاه ذوب آهن در دو آب اعمار گردد زیرا زغال مورد ضرورت را می شد از شاه باغک و تیره صوف که در شمال غرب دو آب موقعیت دارد بدست آورد .

انکشاف معدن حاجی گک یکی از مهمترین اجزای پلان هفت ساله داود گردید . برای انکشاف حاجی گک لازم بود گذشته از سرک ها خط آهن و وسایل حمل و نقل برای استخراج ، تصفیه و فروش دستگاه تصفیه ، خانه ها و ذخیره گاه ها نیز اعمار گردد . برای اینک

برنامه انکشاف حاجی گك از نظر اقتصادی با صرفه باید تصمیم گرفتند ظرفیت دستگاه ذوب آهن را سالانه يك میلیون تن بسازند برق و منابع دیگر انرژی نیز ضرور بود و از همه که بگذریم دولت برای اجرای این پلان ها به سرمایه نیاز داشت . در سال های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ بالاخره داود و دیگر اعضای حکومت افغانستان تصمیم گرفتند اتکای اقتصادی افغانستان را به اتحاد شوروی گاهش دهند . بنابراین چنین در نظر داشتند که برای انکشاف معدن حاجی گك از کدام منبع کمک بگیرند . ایران موافقه کرد که برای اعمار خط آهن که مصرف آن در حدود يك بلیون دالر میشد قرضه بدهد يك کمپنی فرانسوی بنام سوفریل سروی مقدماتی را اجراء کرد و طرح يك شبکه خط آهن را ایجاد کرد که از هرات به کندهار و کابل (نزدیک به مسیر سرك های افغانستان) میرفتو گذشته از ارتباط دادن مرز های ایران ، شوروی و پاکستان از حاجی گك نیز میگفت . در سال های ۱۹۷۶ - ۱۹۷۷ موسسات مسئول افغان کار را به سرك ها شروع کردند . افغانها امیدوار بودند که قسمت باقیمانده سرمایه این پروژه را شرکت های فرانسوی ، جرمنی ، امریکایی و جاپانی تهیه خواهند داشت . - قرار بود میله های آهن به ایران ، پاکستان (بر آن هنگام شوروی ها در کراچی معروف اعمار دستگاه تولید فولاد بودند) و اتحاد شوروی و دیگر بازار های جهانی صادر شود .

این پروژه ، پروژه ای بود بزرگ که بر منابع ملی بسیاری سنگین تحمیل می کرد . اما منافع بالقوه آن چشمگیر بود ، به

این دلیل تصمیم گرفته شد این پروژه هماهنگ با توسعه زیربنا • منابع انرژی انکشاف داده شود و با در نظر داشت بازار های مایرانی تولید آن افزایش داده شود • قرار بود برای تولید آهن تکنیک های جدید مورد استفاده قرار بگیرد و به عوض زغال گاز طبیعی استعمال شود تا تولید آهن را که در اول نمیداد از ۲۰۰ تا ۴۰۰ تن در سال بالا باشد با صرفه بسازد •

ناگفته پیداست که مشاورین اتحاد شوروی در طرح های اولیه این پروگرام سهم داشتند حتی برای عملی کردن آن قرضه پیشنهاد کرده بودند • اما زمانی که پلان هفت ساله داود آماده گردید کمک اقتصادی اتحاد شوروی جامه عمل نپوشید • مذاکراتی که در قبال این مسئله صورت گرفت آشکار ساخت که اتحاد شوروی برای حاجی گک نیز پلان هایی متفاوت از آنچه افغانها فکر می کردند تهیه کرده است • آن ها عیناً مانند مسعینک میخواستند صرف استخراج سنگ معدنی در افغانستان صورت بگیرد و بعداً این سنگ معدنی به اتحاد شوروی فرستاده شود تا تولید آهن و فولاد با استفاده از زغال و منابع انرژی شوروی در آنجا انجام یابد • خلاصه اینکه روسها میخواستند معدن آهن حاجی گک را نیز مانند گاز طبیعی افغانستان در انحصار خود داشته باشند • اگر تعریف استثمار بهره برداری از مواد خام یک کشور و فروش تولیدات حاصل شده بر آن کشور باشد نمونه دقیق تر از استثمار شوروی در افغانستان نمیتوان سراغ کرد •

مشکل نیست انگیزه هایی را که در عقب پلان های اتحاد شوروی نهفته است دریافت کرد . در سالهای اخیر میزان تولید آهن و مقدار و کیفیت منابع اتحاد شوروی باین آمده است . منابع درجه اول سنگ معدنی به آخر رسیده است و ایجاب می کند منابع غیراقتصادی و درجه دوم که عموماً دور از ساحات صنعتی موقعیت دارد مورد استفاده قرار بگیرد . بدین ترتیب هیچ تعجیبی نداشت هنگامیکه شوروی خیلی زود بعد از تجاوز به افغانستان اعلام کرد که در نظر دارد آهن معادن حاجی گک را استخراج کند و از شمال افغانستان تا این ساحه خط ریل اعمار نماید .

سخت :

افغانستان منابع غنی چونه و زغال دارد که برای تولید مقدار قابل ملاحظه سخت کافی است . تقاضا هایی که انکشافات جدید بر جامعه می گذارد در ۱۹۵۸ منجر به اعمار اولین دستگاه سخت در افغانستان گردید . در ۱۹۶۶ اگرچه تولید نامنظم بود و گاه گاهی سخت در بازار سیاه نایاب می شد ، میزان تولید به ۱۵۸۰۰۰ تن بلند شد . در سال ۱۹۷۷ هفت گودال سنگ چونه و دو دستگاه (اولی در پلخمری و دومی در نزدیکی های قندهار) فعال بود و یک گروه چکسلواکیایی دستگاه پلخمری را توسعه میداد . در نظر بود دو دستگاه بزرگ دیگر در سال های ۱۹۸۰ ساخته شود - یکی در هرات با ظرفیت ۲۱۰۰۰ تن و دومی در قندهار به ظرفیت

۸۴۰,۰۰۰ تن . انتظار میرفت این دو دستگاه علاوه بر برآوردن نیاز های داخلی مقدار قابل توجهی سمنت را برای اهداف جارتی نیز تولید کند .

در سال ۱۹۸۱ عجیب ترین پروتوکول تجارتی برای سمنت بین افغانستان و اتحاد شوروی امضاء شد . طبق این پروتوکول طرفین تولید سمنت ها را تن به تن معاوضه می کردند . هدف این پروتوکول را زمانی میتوانیم درک کنیم که بدانیم جنسیت سمنت اتحاد شوروی پائین است و در بازار جهانی خریدار ندارد ، در حالیکه سمنت افغانستان با در نظر داشت معیار های بین المللی تولید می شود و در بازار های بین المللی بسود زیاد بفروش میرسد .

کرومیم :

معدن لوگر در نزدیکی کابل بزرگ نیست و در حدود ۱۸۰,۰۰۰ تن سنگ معدنی ۴۲ فیصد دارد (اگرچه گزارش نشر شده جیولوجیست های جرمن مقدار سنگ معدنی آنرا يك و نیم تا دو بار بیشتر ازین نشان داد) اما برای مدت طولانی خیلی مورد توجه قرار داشته است . این توجه عمدتاً به این دلیل بوده است که کرومیم يك ماده معدنی مهم است که برای تولید فولاد درجه اول ضرور است . فولاد درجه اول علاوه از دیگر موارد استعمال برای اهداف نظامی نیز مورد استفاده قرار می گیرد . آلمان متحده و غرب منابع مهم کرومیم ندارد و برای کرومیم مورد ضرورت خود بر ممالك افریقای جنوبی متکی است

که ناحیه ایست سخت بی ثبات . در مواردی ایالات متحده حتی مجبور شده است کرومیت مورد ضرورتش را از اتحاد شوروی که منبع دیگر کرومیت است بخرد .

در سال های ۱۹۷۰ مقدار تولید کرومیت اتحاد شوروی بعد از تولید افریقای جنوبی بیشترین بود " تولید کرومیت افریقای جنوبی سالانه به سه میلیون تن متریک می رسید) اما در سال های ۱۹۸۰ - کمبود کرومیت شوروی ها را واداشت تا دست به تفصحات وسیع برای بدست آوردن کرومیت بزنند . بدین ترتیب ممکن است علرغم نخیسه اندک معدن کرومیت لوگر به شوروی ها مهم باشد - هم به عنوان یک منبع برای خودشان و هم برای انکار آن به غرب که برای کرومیت متکی به دیگران است .

سنگ های قیمتی :

زمرد ، یاقوت ، لاجورد و زمرد کبود از سنگ های قیمتی شناخته شده افغانستان است و برخی از منابع این سنگ ها ارزش چشمگیر دارد . تعدادی زیاد از این سنگ ها که در زمان تیره کی به نمایش گذاشته شد و در حدود ۶۰ میلیون دالر ارزش داشت اندکی پس از تجاوز شوروی به وسیله شوروی ها غارت شد . در حال حاضر به علت جنگ اکثر نخبه سنگ های قیمتی تحت کنترل نیرو های مقاومت قرار دارد و رژیم کابل را بر آنها بسترس نیست . فروش این سنگ ها بوسیله مجاهدین به جنگ آزادی افغانستان کمک می نماید . اما اگر شوروی

ها بهروز شوند جنسیت عالی این سنگ های قیمتی (خاصاً لاجورد و زمرد) سود بزرگ را به جیب مسکو سرازیر خواهد کرد . این سنگ های قیمتی به طور بالقوه يك منبع اقتصادی مهم برای يك افغانستان آزاد محسوب می شود .

دیگر مواد معدنی استراتژیک :

در افغانستان ذخایر معدنی متعدد و مهم وجود دارد که برخی از آنها اهمیت استراتژیک دارد و برخی صرف برای انکشاف افغانستان یا برای اعتبار تجارتي آن مفید است . ذخایر مس ، جت ، مولی بدنیوم ، قلعی ، برلیم ، سیسم ، روبیدیم ، لیتیم ، تنتالم ، بارایت ، سلسیت ، پنبه نسوز (اسپتاس) ، مگنسیت ، موسکویت و طلا از جمله منابع قابل ملاحظه افغانستان است . طلا و نقره از زمان های قدیم به اینطرف استخراج میشود .

یکی از مهمترین منابع ، ذخایر یورانیم است که بحواله گزارش ها در افغانستان وجود دارد . اما تأیید صحت این گزارش خیلی مشکل است . گزارش گردیده که تشکلات اتش فزانی خانشین در قسمت پائینی هلمند از یورانیم و دیگر عناصر نادره ، زمینی غنی است ، اما مقدار این عناصر نا معلوم است و تا چندی قبل گزارش ها و نقشه های این ذخایر در دسترس نبود . گفته می شود دیگر ذخایر غنی از یورانیم از زمان تجاوز به اینطرف گاه و بیگاه به وسیله شوروی ها غارت شده است .

آب و نیروی برق آبی :

در تحلیل اهداف شوروی از اشغال افغانستان به اهمیت منابع آبی در آسیای مرکزی که بایر و خشک است و منابع انرژی ندارد هیچ توجه بعمل نیامده است .

شاخه های سه دریای عمده از افغانستان منشأ میگیرد :

- شاخه های ترکستان دریای آمو و دیگر شاخه های کوچک که همه به طرف شمال با اتحاد شوروی یا به داخل اتحاد شوروی سرازیر می شود .

- شاخه های دریای سند که به طرف جنوب و غرب جریان میکند .
- شاخه های دریای هلمند و دیگر دریا های کوچک که در جهت سیستان می ریزد .

دلچسپ اینست که ازین سه دریا که همه به افغانستان و همسایگان آن مهم اند صرف شاخه ترکستان دریای آمو از کار های انکشافی اتحاد شوروی در افغانستان بهره مند می گردد زیرا پروژه هایی که در آنجا اعمار می شود هم به افغانستان شوروی و هم به ترکستان شوروی مفید ثابت می شود .

انتخاب دریای بزرگ آمو به عنوان سرحد بین امپراتوری روس و افغانستان که در قرن نهم صورت گرفت بعد ها مشکلات بیشماری را برای هر دو کشور ایجاد کرد . یکبار به علت تغییر مسیر دریا طرفین مجبور شدند مسئله مرز را دوباره مورد مذاکره قرار بدهند . افغانها هیچگاه اجازه ندادند مقدار

زیاد آب آمو را مورد استفاده قرار بدهند . روسیه تزاری و هم رژیم های اتحاد شوروی میخواستند تا حد امکان از آن بهره‌مند گردند که این مسئله مشکلات زیادی را برایشان خلق کرد. زیرا بر سرچشمه دریا که در افغانستان واقع بود دسترسی نداشتند .

دریای آمو در مسیر خود با چندین دریای اتحاد شوروی و افغانستان می‌پیوندد . در حدود ۲۵ - ۳۰ فیصد آب مجموعی دریا از قسمت جبهیلی که به افغانستان تعلق دارد به دریا می‌ریزد .

جریان متوسط آب در قسمتی که دریا مسیرش را به شمال تغییر می‌دهد و به طرف اتحاد شوروی می‌رود در حدود ۱۷۴۰ - ۲۰۰۰ متر مکعب فی ثانیه است که این رقم مشابه به جریان متوسط دریای نیل می‌باشد . تلاش برای کنترل این منبع قابل توجه عنصر اساسی پالیسی اتحاد شوروی در سال های قبل از جنگ بوده است . از سال ۱۹۵۰ به این طرف شوروی ها کم از کم اعمار سه بند بزرگ و کانال های آبیاری را پیشنهاد کرده اند . کانال قراقرم که ۱۵۰۰ کیلو متر طول دارد و بزرگترین و طویل ترین کانال جهان است آب آمو را از نقطه ای در نزدیکی مرز افغانستان برای آبیاری به صحرای قراقرم در اتحاد شوروی و بالاخره به بحیره کسپین انتقال میدهد . اکمال این پروژه ۱۵ - ۲۰ بلیونی واحد برای مسکو از اهمیت فوق العاده برخوردار است و میتوان آرزوی اتحاد شوروی برای کنترل دریای آمو را از اهمیت این پروژه درك كرد .

زنگنه مطبوعات ختبا

شماره نهم سال سوم جدی ۱۳۶۲ - جمادی الاول ۱۴۰۹ - بهمنبر ۱۹۸۸

فهرست مطالب

- | | |
|----|---|
| ۴ | ● یادداشت ماه |
| ۶ | ● منابع افغانستان و استثمار شوروی
جان شرودر و توپ آمفی |
| ۱۱ | ● کمونیست چند حزبی افغانستان
انتونی آرئلد و روزان کلس |

بخط گرامیداشت عهدانیکه جانهای
عربین خود را عاشقانه باخته اند
کانون ترجمه آثار جهاد افغان بعنوان
قدردانی از تمام آنها، عکس هفت
قوماندانی را که در دوران نهمین
سال تجاوز شوروی عهد عده و نام
های مبارکشان بما رسیده بچاپ رساند



علاوه از بکار برد آب دریای آمو برای آبیاری، شوروی ها چندین پروژه تولید برق و آبیاری را برای قسمتی از جهـل ترکستان که در شمال افغانستان است در نظر گرفته اند. برخی ازین پروژه ها زیر ساختمان است و شماری صرف طرح ریزی شده است. بند برق کیله گی بر دریای کندز که معاون دریای آمو است ۶۰ میگاوات برق تولید و بیشتر از ۹۰۰۰۰ هکتار زمین را در افغانستان آبیاری خواهد کرد. در ماه می ۱۹۸۰ که صرف پنج ماه از تجاوز شوروی گذشته بود محمد عظیموف رئیس اکادمی علوم جمهوری تاجکستان اتحاد شوروی اعلام کرد که اتحاد شوروی در نظر دارد چندین دستگاه تولید برق بر دریای کندز افغانستان اعمار کند. او علاوه کرد که انجنیر های شوروی محل اعمار بند ها را قبلاً تعیین کرده اند. او افزود که یک بند برق دیگر به طرفیت ۴۰ میگاوات که در آن هنگام بر دریای هریرود در هرات زیر ساختمان بود ۳۰۰۰ هکتار زمین دیگر را آبیاری خواهد کرد. ضمناً یوگوسلاویا نیز در نظر دارد بند های برق بر دریا های مرغاب، قیصار و سربل اعمار کنند که ۲۵۰۰۰ هکتار زمین را زیر آبیاری خواهد آورد. دلچسب است بدانیم که به استثنای بلان آوردن برق برای معدن مس عینک و برخی بلان های کوچک دیگر در کابل و جلال آباد هیچ پروژه بزرگی بر دریا های جنوب هندوکش در نظر گرفته نشده است.

انرژی برقی بالقوه افغانستان ۲۵۰۰ میگاوات تخمین میشود که

این رقم شامل انرژی برقی بالقوه ای نیست که میتواند از دره های بدخشان که دریای آمو در آن در جریان است بدست آید . این دره ها انرژی برقی بالقوه ساحه را بطور قابل ملاحظه افزایش میدهد . تا سال ۱۹۷۵ صرف در حدود ۹ فیصد این انرژی بالقوه یعنی ۲۶۰ میگا وات آن از قوه به فعل درآمده و مورد استفاده قرار گرفته بود . ده دستگاه تولید برق اعمار گردیده بود که بیشتر از نصف آن بر دریای کابل قرار داشت . (دریای کابل ۳۰ فیصد همه انرژی برقی بالقوه افغانستان را صرف نظر از انرژی بالقوه ای که از دریای آمو بدست می آید فراهم میکند) . دو دستگاه دیگر بر دریای هلمند (۲۸ فیصد انرژی برقی بالقوه) و دو دستگاه در شمال (۳۸ فیصد انرژی برقی بالقوه) وجود داشت . مشکلات مالی این انرژی برقی بالقوه قرار داشت

انکشاف عمومی منابع و آینده افغانستان :

مقارن ۱۹۷۲ جیولوژیست های شوروی قادر شدند افغانستان را به بیست و یک ساحه میتالوجینیک تقسیم کنند . این ساحات بر اساس تقسیمات تکتونیک تعیین شده بود و تقسیمات ساحوی مناسب داشت . این تقسیمات نشان میدهد متخصصین شوروی که این طرح را ریخته اند برای تفصیل بیشتر به تقسیم مضاعف ساحات نیز دست زده اند .

واضح است که شوروی ها حتی اگر حاضر شوند نیروهایشان را از-

افغانستان خارج سازند تلاش خواهند کرد دسترسی خود را بر منابع افغانستان حفظ کنند زیرا این امر بر ایشان اهمیت بزرگ اقتصادی دارد. احتمال تجزیه افغانستان نیز وجود دارد. مذاکره دوباره برای تعیین سرحد بین افغانستان و شوروی که شایعات آن مکرراً شنیده شده است و الحاق مخفیانه واکان در ۱۹۸۰ که دریای آمو از آن شروع میشود میتواند به این هدف شوروی ها چه از نظر اقتصادی و چه از نظر استراتژیکی کمک کند. سرحد فعلی در امتداد دریای آمو و صحرای قراقرم که در بین سال های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۵ به وسیله دول انگلیس و روس تعیین شده است هم از نظر تاریخی و هم از نظر تکنیکی مشکل برانگیز بوده و خواهد بود، زیرا از همان دورانی که تعیین شد آنها سرحدی کاملاً مصنوعی و موقتی که هیچ بهره ای از ثبات ندارد خواندند. در جریان تعیین مرز روس ها بر برخی ساحاتی که به افغانستان تعلق داشت ادعای ملکیت کردند و ادعای شان این بود که آن ساحات را ترکمن هایی که اکثریت شان در ساحات زیر کنترل شوروی زندگی داشتند اشغال کرده اند. در موارد بیشتر نمایندگان نظامی روس (و هم انگلیس) پیشنهاد کردند که مرز بین افغانستان و شوروی خیلی زیاد به جنوب بیاورد و از میان هندوکش بگذرد. عبدالرحمن امیر افغانستان که نمایی خواست بیشتر ازین ساحه ای از قلمرو خود را از دست بدهد اعتراض کرد.

اما در ۱۸۸۵ که مدتی کوتاه از آغاز مذاکرات طولانی

انگلستان و روس میگذشت نیروهای روس بر پنجاه که بخشی از سرزمین افغانستان در شمال آمو بود حمله برده آنرا تصرف کردند تا در دوران مذاکرات دست برتر داشته باشند. برتانیه بر این امر اعتراض کرد اما این عمل انجام یافته را مشروط بر اینکه روس دیگر به شوروی نکند پذیرفت. (اسناد داخلی روس در آنزمان نه تنها از تصرف پنجاه بلکه از سرساری دولت برتانیای کبیر اظهار خوشحالی کردند.)

سرانجام دولت برتانیه موفق گردید سرحد بین افغانستان و اتحاد شوروی را برای آمو و خلی به امتداد آمو به طرف غرب که از صحرای قراقرم می گذرد تعیین نماید. این سرحد که از نظر نظامی قابل مدافعه و از نظر نژادی مناسب نبود تا سال ۱۹۸۰ باقی ماند. به نظر روسیه (تزاری و اتحاد شوروی) دلایل اقتصادی سیاسی و کلتوری بیشمار همیشه وجود داشته است که این سرحد را ضعف میسازد. در واقع گفته می شود که یکی از جنرال های تزاری که در مذاکرات اولیه تعیین مرز سهم داشت به همای انگلیسی اهر گفته بود: آمو دریا است و دریا هیچگاه نمیتواند سرحدی خوب باشد. ما میخواهیم هندوکش به عنوان يك دیوار واقعی قلمرو ما را از قلمرو شما در آسهای میانه جدا کند. این نظریه چندین بار در جریان مذاکرات تکرار شد و رویداد های بعد از ۱۹۸۰ چنین نشان میدهد که يك قرن بعد نیز اتحاد شوروی این خیال را برسر دارد. چنین نظر می رسد که برای مقابله با نیروی مقاومت افغانستان

شوروی‌ها در جریان این چند سال مصروف ایجاد زیربنای نظامی بوده اند که با استفاده از آن بتوانند منابع را به سرعت استخراج و انتقال بدهند. آنها در عین حال تلاش ورزیده اند ساختمان سیاسی بوجود بیاورند که هم برای کنترل دراز مدت افغانستان و هم برای يك راه حل سیاسی قابل قبول به مسکو ضرور شمرده شود. بطور مثال شوروی‌ها و رژیم کابل در عین حال که تلاش ورزیده اند نشان بدهند که با ملیت‌های مختلف افغانستان برخوردی عادلانه و خیرخواهانه دارند این مسئله را نیز از یاد نبرده اند که منافع خود را از طریق سیاست امپریالیستی تفرقه بینداز و حکومت کن ابقا کنند.

پروژه‌های انکشافی زیاد ایجاد یا صرفاً در روی کاغذ بلان شده اند تا این اهداف به اصطلاح خیرخواهانه را برآورده سازند اما همه این پروژه‌ها در شمال تمرکز یافته است و هدف اولیه شان برخلاف تبلیغات شوروی‌ها بهسازی اقتصاد اتحاد شوروی است.

دریای آمو زمانیکه به جلگه‌های شمالی میرسد قسمت زیاد طول آن قابل کشتیرانی میشود، کشتیرانی در آن جریان دارد و بنادر جدید زیر ساختمان است تا از دریای استفاده بیشتر بعمل بیاید. در سال ۱۹۸۲ يك خط آهن که لوله‌های نفت را به افغانستان می‌آورد بر دریای آمو اعمار شد و اولین خط آهن افغانستان که از مرز شوروی به معادن زغال دامنه‌های شمالی هندوکش میرود زیر ساختمان است. قرار است درین جا يك شهرک نیز اعمار گردد. در شمال هرات در قسمت کشفه خط آهن از سرحد گذشته و به خاک -

افغانستان داخل شده است . علاوه بر این ها بل های دیگر در قسمت بالای آمو در بدخشان اعمار گردیده یا قرار است اعمار گردد . یکی از این بل ها بین سفنان بدخشان و خورک تاجکستان و دیگر احتمالا بین قاضی ده یا خندود اعمار و به سیستم سړک های اتحاد شوروی وصل خواهد شد . يك شاهراه استراتیژیک جدید از مرغاب که در تاجکستان شوروی قرار دارد تا منتها الیه شمال شرقی دهلیز واکان اعمار گردیده است . دهلیز واکان از الحاق مخفیانه آن به این طرف اتحاد شوروی را قادر ساخته است با پاکستان سرحد مستقیم داشته باشد . يك تونل جدید که در کوتل اندی مهن ترین شاهراه ایجاد گردیده است دسترسی شوروی ها را بر پاکستان آسان تر می سازد . شاهراه قراقرم را که از پاکستان به چین ادامه دارد به خطر مواجه می سازد .

يك بازار جدید بارتیری " بازاری که در آن معامله جنس به جنس صورت می گیرد) در واکان بدخشان ، درست ترین سوی سرحد بین تاجکستان و افغانستان اعمار شده است که در برابر تولیدات زراعتی افغانستان وسایل خانه را که در شمال افغانستان یافت نمیشود به مردم عرضه میدارد . تاجیک های افغانستان میتوانند برای تداوی بدون ویزه به اتحاد شوروی بروند و داکتران تاجیک از طریق بدخشان به افغانستان سفر می کنند . " اتباع اتحاد شوروی دیگر برای سفر به افغانستان به ویزه ضرورت ندارد ، سفر به افغانستان حیثیت سفر به داخل اتحاد شوروی را دارد) .

خاک قسمت‌های شمال افغانستان قوی و مشابه به خاک یوکراین و قسمت غربی امریکا است و مقدار اعظمی نور آفتاب در تمام اتحاد شوروی درین ساحه جذب می‌شود. بدین ترتیب با سیستم آبرسانی درست و تخنیک‌های پیشرفته زراعتی ارزش اقتصادی این ناحیه به اتحاد شوروی خیلی زیاد خواهد بود.

زیر بنای فیزیکی قوی‌ای که در شمال افغانستان ایجاد می‌شود یا قرار است ایجاد شود ممکن است زمینه‌ای برای تجزیه نهایی مملکت با سرحدی که در بالا مورد بحث قرار گرفت باشد. سرحدی جدید که در امتداد هندوکش کشیده شود شوروی‌ها را قادر خواهد ساخت تا منابع غنی انرژی و دریا‌های مهم شمال را کاملاً تحت کنترل خود بگیرند و کشور را بر اساس نژاد جدا سازند.

افغانستان شمالی در مجاورت جمهوری‌های ترکستان، ازبکستان و تاجیکستان اتحاد شوروی قرار دارد و ساکنان آن از نظر نژادی در هر دو جانب سرحد مشابه‌اند. این گونه تغییر سرحد پشتون‌ها را در جنوب قرار خواهد داد و زمینه را برای عناصر پشتون مساعد خواهد داشت تا برای اتحاد پشتون و تقاضای دیرینه پشتونستان بر پاکستان فشار آورند. همچنان سرحد جدید کمک به مجاهدین افغانستان شمالی را محدود خواهد ساخت. در صورت خروج نیروهای شوروی از کابل و مناطق جنوبی تجزیه افغانستان گنفته از دیگر منافع به شوروی‌ها به کمونست‌های افغانستان که سخت مورد تنفر افغانها اند بناگاهی را در شمال ایجاد خواهد کرد.

سلسله کوه بلند هندوکش سرحدی را تشکیل خواهد داد که دفاع از آن سرحد فعلی خواهد بود . این تغییرات سرحدی مشابه به آن تغییرات سرحدی خواهد بود که در پایان جنگ عمومی دوم از طرف شوروی ها بر پولند و دیگر کشورها تحمیل شد .

واضا زمانیکه شوروی ها تجاوز کردند در نظر نداشتند افغانستان را تجزیه کنند اما ده سال مقاومت موفقانه مجاهدین افغان که پایان آن قریب بنظر نمی رسد و فشار مداوم بین المللی بدون شك مسکو را واداشته است تا دیگر راه ها را جستجو کند . تجزیه افغانستان به يك افغانستان شمالی غنی که تحت کنترل شوروی قرار دارد (یا حتی به آن الحاق شده است) و يك افغانستان جنوبی ویرانه ، فقیر و متکی به منابع خارجی میتواند در برابر خروج قسمی نیرو های شوروی بر افغانها تحمیل گردد و در روابط بین المللی به عنوان يك راه حل به معضله افغانستان جلوه داد . شود .

خلاصه اینکه اگرچه گفته نمیتوانیم که منافع اقتصادی هدف بیگانه یا حتی اساسی شوروی از اشغال افغانستان بود واضح است که منافع اقتصادی از جمله اهدافی جانبی بود که شوروی ها توقع داشتند از اشغال افغانستان حاصل کنند .

روشن است که شوروی ها از منابع مهم افغانستان آگاهی کامل داشتند و در طی چندین دهه خاصا از ۱۹۵۰ به بعد فعالانه کوشیدند کنترل منابع شناخته شده و بالقوه افغانستان را بدست

بگیرند و آنرا به مصرف افغانستان به نفع شوروی مورد بهره برداری قرار بدهند. شوروی ها مصمم بودند که در صورتیکه نتوانند ازین منابع استفاده کنند حد اقل نگذارند افغانها منابع خانرا برای بهبود کشور خود شان مورد استفاده قرار بدهند و بگذارند این منابع دست ناخورده باقی بماند تا روزی اتحاد شوروی بتواند آنرا به نوعی مورد بهره برداری قرار دهد. علت اینکه افغانستان يك کشور فقیر و انكشاف نیافته و متکی به كمك خارجی ماند صرف بعلت بهره برداری آگاهانه و عمدی شوروی ها از اقتصاد افغانستان نبود بلکه بعلت ممانعت شوروی ها از انكشاف این منابع بالقوه اقتصادی نیز بود که خامتاء از سالهای ۱۹۶۰ به اینطرف زمانیکه متخصصین شوروی کنترول وزارت معادن و منابع را در دست گرفتند افزایش یافت.

این مسئله نیز روشن است که علرغم وضع نا بسامان جنگی شوروی ها آن منابع برای منفعت خودشان خیلی سریع مورد بهره برداری قرار داده اند و این سرعت عمل بدون طرح ریزی ممکن نیست آنها مصمم اند این بهره برداری را در آینده نیز ادامه بدهند. در سامبر ۱۹۸۶ يك مامور عالیرتبه که میخائیل گورباچف را در دهلی جدید همراهی میکرد در يك مصاحبه گفت که جنگ افغانستان بخاطر گاز و دیگر تولیداتی که اتحاد شوروی از افغانستان میگیرد حتی "يك سنت" نیز به اتحاد شوروی مصرف ندارد. این گفته با وجودیکه ممکن است اغراق آمیز باشد يك مسئله را روشن

میسازد و آن اینکه بهره برداری شوروی ها از اقتصاد افغانستان بخشی مهم از هزینه اشغال افغانستان و جنگ منتج از آنرا می پردازد . واضح است که حتی اگر شوروی ها تا بحال این بهره برداری را آغاز نکرده باشند حداقل انتظار دارند در آینده از غارت افغانها منفعت بزرگ و دوامداری را نصیب خود سازند . در اخیر خاطر نشان باید ساخت که تلافی افغانستان محاط به خشکه در قرن بیستم (از حوالی سال های ۱۹۵۰ تا حوالی سال های ۱۹۷۰) منجر به يك سلسله نشرات در كابل گردید كه از " حقوق طبیعی " افغانستان برای استفاده از بحر هند صحبت می كرد . احتمال دارد این مسئله در يك افغانستان روسی شده در آینده دوباره بر سر زبانها بیافتد و این بار ماهرانه تر از قبل احتمالا با استفاده از مسئله بلوچستان برضد پاکستان مورد استفاده قرار بگیرد .

بهره برداری و انكشاف توام منابع افغانستان و پاکستان با كمك مالی اتحاد شوروی میتواند اتحاد شوروی را قادر سازد تا در بلوچستان يك سیستم راه زمینی جدید بوجود بیاورد و در ساحل مكران پاکستان بندرگاهی جدید بسازد . این پروژه ها اگر در عمل بهاده عود به اتحاد شوروی زمینه آنرا مساعد میسازد تا به بحیره عرب دسترسی مستقیم داشته باشد . گذشته ازین دسترسی شوروی ها قادر خواهند بود این پروژه ها را در يك سیستم بگنجانند و كمبود هر يك از اجزا را با استفاده از اجزای دیگر

جدی سیاه

بازداشت سار

سال دیگر بسر آمد ، روز سیاه ۶ جدی بار دیگر فرا رسید
روزیکه تانکها و زرهپوش های اردوی سرخ از روهخانه آمو گشت
و از فراز کوه بایه هندوکش بر کشور بلا کشیده ما مانند زاغ و
زغن سرازیر گردید . طیارات غول پیکر شوروی در آسمان کابل به
پرواز درآمد و تجاوز گران شوروی را دسته ، دسته به پایتخت
پیاده کرد . در همین روز از دهلیز های مخوف کریملن فرمان
مرگ و خون و آتش طنین افکند و زمین را به لرزه درآورد . مردمان
جهان یکبار دیگر شاهد جنایت سرمداران شوروی بودند و یک بار
دیگر مدعیان صلح ، آشتی و دوستان طبیمی مردمان مستضعف جهان !
نقاب دروغین را از چهره مرگ آور خود بدور انداختند و لوله
تفنگ و تانک خود را بسوی مردم مظلوم افغانستان نشانه گرفتند .
در برابر نیرو های استکبار جهان افغانان صف بستند ، آری
ملتی که در دوره قرون اولی نگهداشته شده بودند و از ساز و برگ
تمدن قرن بیستم بهره ای نداشتند .

افغانان شوروی را عامل اصلی پرمانی خود میدانند ، زیرا
از قرن ۱۹ باین سو فرمان روایان خود کامه شوروی بر امور داخلی

کامل سازند . به این معنی که آهن حاجی گاک میتواند در دستگاه فولاد سازی کراچی بکاربرد و مس چگای بلوچستان معدن عینک را غنی تر بسازد تا ارزش اعمار دستگاه تصفیه را پیدا کند .

شواهد بیشتر وجود دارد که شوروی ها معم استند افغانستان شمالی را (در صورتیکه به خاک خود الحاق نتوانند) جز از آسیای مرکزی اتحاد شوروی بسازند و در عین حال بی نظمی را در پاکستان تشدید کنند . پیشنهاد های اقتصادی اتحاد شوروی به پاکستان مشابه به آن پیشنهاد های اقتصادی شان است که دهه ها پیش به افغانستان ارائه کرده بودند و در بسیاری موارد با پلانیهای شان برای افغانستان تطابق می کند . اگر اجتماع بین المللی فشار بیشتر بر شوروی وارد نکنند احتمال دارد که شوروی افغانستان را ببلعد و منابع غنی آنرا به منفعت خود مورد بهره برداری قرار بدهد . در صورتیکه این عمل واقعا صورت نگیرد اثرات آن بر تمام ساحه اطراف و ساحات بیشتر دیگر غیر قابل شمار خواهد بود .



جدی سیاه :

زوال توسعه جوئی امپراتوری شوروی در قلب آسیا و جهان فال نیک گرفت : آنروز دور نیست که با گردن های افراشته و قلب های مطمئن بوطان محبوب خود برگردیم و با اتکاء به نیروی لایزال الهی، بنیاد حکومت دین و داد و خرد را بریزیم و میهن آغشته بخون خود راریم گلستان بگردانیم . نصر و من الله و فتح قریب .

افغانستان

فی الصحافہ العالمیہ

مجلہ شہریہ لانمکاسات الجہاد الافغانی
فی الصحافہ العالمیہ

EDITOR : Prof. Dr. Sayed Mohammad Yusuf Elmi

ANNUAL SUBSCRIPTION :

Pakistan : Rs.100

Abroad : US\$ 30

Bank Account No.60649

Habib Bank Ltd.

Cantt. Branch

PESHAWAR.

ADDRESS : Post Box 417 G.P.O.,
Peshawar, Pakistan.

.....
AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE
is an independent and nonalignec Centre. In order to fulfill
its obligations, will accept financial assistance provided it
does not compromise in any way its independence.
.....



AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE

Afghanistan In The World Press

MONTHLY MAGAZINE, WHICH REFLECTS THE IDEAS AND
OPINIONS OF THE PRESS AND WORLD PERSONALITIES
ABOUT THE RIGHTFUL JEHAD OF THE AFGHAN PEOPLE.

No. 34

3rd Year

December 1988

CONTENTS

1. Editorial
2. AFGHAN MINERAL RESOURCES
AND SOVIET EXPLOITATION John F. Shroder
and A. Tawab Assifi
3. Afghanistan's Communist
Party: The Fragmented PDPA Anthony Arnold
& Rosanne Klass

Photo: Maria Soderberg

ما مداخله میکردند به تهدید و ارباب متوسل می شدند و بر راه -
 بهسرفت کشور ما موانع گوناگون ایجاد می کردند. آری مجاهدین
 سلاح و لباس نداشتند، ولی ایمان نیرومند داشتند، چیزی که
 لشکر سرخ فاقد آن بودند، ایمان بفرمان خدا و حقانیت راه او،
 ایمان بولادین پایدارتر از کوههای سربفلك کشیده و بلندتر از
 پرواز عقاب ها، ایمان حماسه افرین و جاودانیکه در گذشته بار
 بار بهز پرخاشگران بیگانه را بخاك مذلت مالیده بود. ایمان
 شکست ناپذیری که مردمان این دیار را در خلال قرون و اعصار زنده
 نگه داشته و با خون و جان آنها درهم آمیخته بود. سرانجام تاریخ
 یکبار دیگر تکرار شد. آثار آیت قرآن با کمال نورانیت بر فضای
 آریانای کهن تجلی نمود. کم من فته قلیله غلبت فته کثیره باذن الله
 چه بسا گروههای اندک پیروز شدند بر لشکرهای بزرگ بفرمان
 و تائید خدای تعالی.

الحق طلسم شکست ناپذیری اردوی سرخ بدست مسلمانان افغانستان
 شکست و لشکر خدا بر نژخیمان شمال پیروز گردید. آری ۶ جدی
 امسال با بار تفاوت فراوان دارد. سرانجام پس از نه سال خون
 ریزی و ویرانی لشکر شوروی به شکست خود اعتراف کردند افغان
 و خیزان از کشور ما عقب نشینی اختیار نمودند. مجاهدین را که
 (اهرار) می گفتند، اکنون مخالفین و جنگجویان می نامند و ما را
 به عنوان طرف اصلی درگیر برسمیت شناختند و بصورت مستقیم به
 مذاکره نشستند. بنابراین ۶ جدی را میتوان مبدأ رسوائی و
 (ص - ۵۰)

منابع افغانستان و استثمار شوروی

جان نرویز و نواب احمدی

- قسمت آخر -

نفت :

افغانستان هنوز هم برای مصارف نفت خود که عمدتاً شامل بطرول ، نیمزل و تیل خاک میشود بر منابع خارجی ، ایران و اتحاد شوروی متکی است . این اتکا بر منابع خارجی همیشه توانائی هولی این مملکت را کاهش داده ، ولی استفاده جویی اتحاد شوروی به این مشکل شدت بخشیده است .

تفص نفت در افغانستان در سال ۱۹۲۵ آغاز گردید و در ۱۹۳۲-

امتیاز آن برای ۲۵ سال به " تکسا کووسی بور Texaco and Seaboard " داده شد . این قرارداد با امریکایی ها در آغاز جنگ عمومی دوم به طور ناگهانی فسخ شد . بعد از جنگ سویدنی ها در تبه های انگوت در سرپل بکشف نفت توفیق یافتند ، اما آنطور که در بالا اشاره شد شوروی ها با قرضه های بزرگشان با در میان گذاشتند و تفص های پروکارین ها را بر عهده گرفتند . آنها توجه را از نفت به گاز طبیعی منحرف داشتند و توانستند مامورین مسئول افغانستان را به این نتیجه برسانند که صادرات گاز برای افغانستان بر منفعت تر است . شوروی ها استدلال کردند که در هر

صورت نخبیر نفت افغانستان خیلی محدود است و گفتند که نخبیر قابل استخراج در انکوت (۲ میلیون تن) ارزش اعمار دستگاہ تصفیه را ندارد و در آن زمان از جستجوی بیشتر در آن ساحه خودداری کردند.

در سال ۱۹۷۳ هنگامیکه داود برای بار دوم به قدرت رسید تلاشهای یافتن نفت را از سر گرفت. چون روسها به نفت توجه اندک نشان دادند انجیران، جیولوجستها و کارکنان فنی افغان ماموریت را برعهده گرفتند. تلاش آنها بزودی به پیروزیهایی بیانجامید. در ۱۹۷۵ یعنی بیست و پنج سال پس از آنکه سویدنیها استخراج شده بودند نخبیر جدید که از نظر اهمیت خود مساوی به نخبیر انکوت بود در آق دریا کشف شد. یکسال بعد نخبیری که ارزش آن ۱۲ میلیون تن تخمین می شد در سه لایه قاشقاری پیدا شد. بزودی در بازار کمی و بلند غور نیز نخبیری دیده شد. این نخبیر نیز مانند دیگران در ناحیه سرپل شبرغان قرار داشت. هنگام برمه کاری برای گاز طبیعی در علی گل که تقریباً ۲۰۰ کیلو متر در غرب سرپل قرار دارد یک ذخیره بزرگ نفت کشف شد و احتمال وجود نخبیر دیگر و احتمالاً بزرگتر را در ساحات مجاور زنده ساخت.

تاریخچه جیولوژیکی این ساحه وجود نخبیر بزرگ را در - افغانستان محتمل می سازد. بطور مثال اکنون واضح است که بسج وادی بزرگی که در نهایت جنوب شرقی وادی کویت داغ قرار دارد از

نظر نخبیرهایدروکاربن ها خیلی بر اهمیت است . وادی کاراکم در شمال غرب قرار دارد مورد استفاده است اما وادی افغان تاجیک که به طرف شمال شرق است نیز از نظر منابع هایدروکاربنی با ارزش است و چندین نخیره نمک که تا هنوز برمه کاری نشده دارد . هر دو وادی بیشتر از ۳۰ طاقدیس و دیگر ساختمان های جیولوژیکی مهم دارد .

در سال های ۱۹۷۰ در این منطقه و دیگر مناطق کشور تفحص نفت جریان داشت و به وسیله کمپنی های غیر شوروی صورت می گرفت وادی کوندز ارگون را که در منطقه جنوب شرقی کتواز موقعیت دارد جیولوژیست های جرمن مطالعه و وجود منابع هایدروکاربنیک را تثبیت کردند . در سال های ۱۹۷۴ - ۱۹۷۵ یک شرکت فرانسوی بنام توتل (Total) تفحص نفت را در این ناحیه برعهده گرفت . شرکت توتل قرارداد را با پرداخت جبران خساره فسخ کرد و دلیل آنرا مشکلات جیولوژیکی خواند که گفته می شد احتمال استخراج مقدار زیاد نفت را کم می سازد . متخصصین افغان این دلایل را قناعت بعضی ندانستند و دو گزارش علیحده از منابع عالی رتبه افغان توطئه گری اتحاد شوروی و فساد اداری را مسئول دانست .

در هر صورت افغان ها صرفاً در جستجوی منابع بزرگ برای اهداف مابراتی نبودند بلکه در عین حال تلاش داشتند منابع شانرا انکشاف بدهند و ضروریات کشور شانرا رفع سازند که برای این

هدف منابع كوچك نيز كافى است، بنا بر اين افغان ها خود شان كار را بر كتواز بر عهده گرفتند. وادى هلمند به علت طبيقات ضخيم رسوبات غير هايډروكاربني جوان تفحص نشد، اما در ۱۹۷۶ - شركت انگليسى ترای - منترل تفحص نفت را در ولايت غربى فراهم كه در مجاورت هلمند است قرارداد كرد. بعداً يك شركت امريكائى نيز براى تفحص نفت در دشت ماركو و ريگستان در جنوب غرب ابراز علاقه كرد، مذاكرات به مرحله عقد قرارداد رسیده بود كه كودتای ۱۹۷۸ به اين تلاشها خاتمه داد. از ۱۹۷۸ به اينس طرف در وادى تيرپل در غرب هرات نفت پيدا کرده اند.

در جريان سال هاى ۱۹۷۰ توليد نفت در شمال از چند هزار تن در سال به آهستگى از قرار ۲۰ فيصد در سال افزايش يافت. در ۱۹۷۷ نخير تثبيت شده نفت در حدود ۱۰ - ۱۵ ميليون تن گزارش داده شد. يعنى ۵ فيصد منابع برونى يا دوبي و يك بر هزار منابع كويت. اما در هر حال اين مقدار حد اقل براى رفع نياز هاى محلى كافى بود.

هنگاميكه داود پلان هفت ساله اش را براى سال هاى ۱۹۷۶ - ۱۹۸۳ آماده مى كرد، از روس ها چندمين بار خواست تا براى اعمار يك دستگاه تصفيه نفت قرضه بدهند. آنها در ارائه پاسخ روشن تعلل ورزیدند و ابعا كردند كه منابع انگوت نمىتواند ارزش اعمار دستگاه تصفيه را داغته باشد. هنگاميكه نخير جديد كشف شد اين ابعا نيز رد شد، افغان ها اميدوار بودند كه ممكن است